

ما سنامه آگاہی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان



ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است
(سوره: النساء آیه ۱۳۵)

سال ده هم شماره ۱۵۴ ۳۱ حمل ۱۳۹۵ 2016 19 April

دیدار وزیر عدلیه از تمرین خودی اعضای مدیریت آگاهی عامه حقوقی

تدابیر احتیاطی در محاکم تجارتي

تتبع و نگارش: فیض الله خواجه امانی

در موضوعات تجارتي در صورت وقوع منازعه که از دیگر راه های قانونی حل آن ممکن نشود، هر صاحب حق جهت مطالبه حق خود با ارائه دلایل و حجت نزد قاضی محکمه تجارتي مراجعه و خواستار فیصله قضایی در رابطه به حق خویش میشود. اما در حالات خاص ایجاب مینماید که تدابیر احتیاطی غرض ضایع نشدن این حق باید از طرف محکمه تجارتي اتخاذ گردد. در اخذ تدابیر احتیاطی اصل و نوعیت حق اهمیت ندارد در اینجا ذیلاً به تعریف تدابیر احتیاطی می پردازیم:

تدابیر احتیاطی:

تدابیر احتیاطی عبارت است از قرار قضایی که از طرف محکمه تجارتي به اساس درخواستی صاحب مصلحت قبل از اقامه دعوی یا در جریان دعوی بغرض گذاشتن مال اعم از منقول و غیر منقول تحت تصرف قضا، صادر میشود تا مالک را از تصرفات در حقوق متعلق به مال تحت حجز گذاشته شده که موجب ضرر می شود، منع نماید.

قانون اصول محاکمات تجارتي از ماده ۴۲ الی ۴۸ خویش موضوع اخذ تدابیر احتیاطی را ذکر نموده که چهار موضوع عمده آن را ذیلاً به بررسی می گیریم:

۱- محکمه خاص ایکه صلاحیت اصدار قرار تدابیر احتیاطی را دارد. (صلاحیت حوزوی و صلاحیت موضوعی.)

۲- چگونگی مطالبه تدابیر احتیاطی در محکمه.

۳- شروط و تعریف حالت استعجال.

۴- چگونگی اجرا آن محکمه در رابطه به تامينات.

۱- محکمه خاص ایکه قرار تدابیر احتیاطی را

صادر می کند:

تدابیر احتیاطی از طریق ارائه در خواستی به محکمه تجارتي از طریق محکمه مذکور صادر میگردد. ماده (۴۲) قانون اصول محاکمات تجارتي در زمینه چنین صراحت دارد: "برای محکمه مجاز است که با اثر تقاضای یکی از طرفین قبل و یا بعد از اقامه دعوی نسبت به اتخاذ هر نوع تدابیر یکه برای حفاظت یک شی متنازع فیه لازم باشد قرار صادر کند."

نظر بوضاحت ماده مذکور هرگاه یکی از طرفین دعوا خوف مرور وقت، هلاکت، اتلاف یا ضیاع یک شی متنازع فیه را احساس نمایند برای شان مجاز است که در خواستی خویش را جهت اخذ تدابیر احتیاطی به محکمه تجارتي تقدیم نمایند. اما چیزی که قابل یاد آوری است اینکه متخاصمین میتوانند هم قبل از اقامه دعوی و هم حین رسیدگی به دعوی در خواستی شان را به محکمه تقدیم نمایند.

آنچه که مربوط مسئولیت محکمه میشود اینکه در خواستی را پذیرفته، جدا از اصل دعوا بررسی و به جواب طرفین دعوا بپردازد. (خواه به نفع عارض باشد یا به ضرر وی) این جواب چه قبل از فیصله باشد یا بعد از فیصله.

۲- چگونگی مطالبه تدابیر احتیاطی از محکمه:

هریک از طرفین دعوا که صاحب مصلحت و منفعت باشند میتوانند راجع به خواسته های خود، در خواستی را به محکمه تقدیم، اسباب آن را بیان و اتخاذ تدابیر احتیاطی را مطالبه کنند. البته بعد از درخواست تدابیر احتیاطی این درخواست بجانب مقابل ابلاغ میگردد تا به محکمه حاضر شود. اگر به محکمه حاضر نشود ابلاغ دوباره لازم نبوده محکمه میتواند در غیاب وی قرار لازم را صادر نماید. چنانچه ماده (۴۴) قانون اصول محاکمات تجارتي در زمینه چنین مینماید: "مطالبه قرار راجع به تدابیر احتیاطی وابسته به تقدیم در خواست به محکمه میباشد، در اثر این درخواست طرف مقابل فوراً جلب و اگر حاضر هم نشود قرار لازم در غیاب وی صادر میگردد، در حالات مستعجلی یا در مواردیکه باید از حقوق مدعی فوراً حمایت بعمل آید بدون احضار طرف نیز میتوان در باره تدابیر احتیاطی قرار صادر کرد." ادامه در ص/۲

الیوم مورخ ۱۱/۱۰/۱۳۹۵ اعضای مدیریت عمومی آگاهی عامه حقوقی مطابق پلان یومیه خویش تمرین خودی را در دفتر کاری شان بمنظور ارتقای دانش مسلکی خویش روی موضوعات حقوق اساسی، قانون منع خشونت، حقوق مظنون و متهم، حقوق طفل، معرفی ارگانهای عدلی و قضایی که در ساحات مختلف شهر، مکاتب، ولسوالی ها، شوراهای قومی، مراکز اصلاح و تربیت اطفال و سایر محلات که سطح دانش حقوقی شان پائین است و ضرورت به آگاهی دهی حقوقی میباشد با حضور داشت جناب وزیر صاحب محترم عدلیه و محترم اسدالله وحدت رئیس عموم مساعدت های حقوقی به بحث و گفتگو پرداختند این کار عملی اعضای مدیریت آگاهی مورد استقبال جناب محترم وزیر صاحب عدلیه و محترم رئیس صاحب عمومی مساعدت های حقوقی قرار گرفته اوفز و دند که شما کسانی هستید که میتوانید اعتماد مردم را نسبت به دولت بیشتر ساخته و موضوعات حقوقی را بطور خوبتر برای همشهریان عزیز، آگاهی های لازم را ارائه نمایند. تا این باشد که تمام از حقوق و جابج و مسئولیت های آگاهی پیدانموده و خود قادر شوند که یک سلسله مشکلات حقوقی خویش را حل نمایند.



گزارشگر: بشیر احمد عزیز

حقوق زنان در اسناد بین المللی

تتبع و نگارش: گلالی "سنگرخیل"

آموزش محروم می سازند و یا حتی قبل از تولد زن جنین را که متوجه شوند دختر است سبب سقط آن می گردند.

موارد فوق از جمله نقض حقوق زنان می باشد و زنان قربانی غالباً در فقر زندگی می کنند و مالی برای تغییر وضعیت خود ندارند

به علت عدم شفافیت در سیستم قضایی کشور و نداشتن سواد کافی نمی توانند برای دفاع از حقوق خویش وکیل استخدام نمایند و یا نظام حقوقی غیر منصفانه بوده و در یک جامعه مرد سالار تضییع حقوق زن از سوی مرد را نادیده انگاشته و از مردان حمایت می نماید.

از طرفی هم زنان برای اثبات حقوق خویش در موارد بروز خشونت مانند تجاوز با مشکلات بی شماری رو برو است.

همچنان وکلای که از حقوق زنان دفاع می نماید مورد تهدید واقع می شوند. در بسیاری از موارد وضعیت حقوقی زنان تحت تاثیر موقعیت اجتماعی آنان قرار دارد و گاه هم

یک دلیل ساده مانند اینکه یک زن به اقلیت نژادی یا قومی تعلق دارد از حقوق اولیه خویش محروم می شوند.

ادامه در ص/۲

پس می توان قواعد بین المللی حقوق بشر را به طور کامل در مورد زنان اجرا نموده و ایجاب می نماید که حقوق زنان در کشورهای عضو سازمان ملل متحد با جدیت تمام مورد رسیدگی قرار گیرد و اسناد حقوقی جداگانه ای با تمرکز بیشتر بر نیازهای زنان تدوین گردد.

زنان در بعضی از کشورها پیشرفتهای قابل ملاحظه در زمینه رعایت حقوق بشری خویش داشته اند از جمله حق برابری با مردان، حق وراثت، حق دسترسی به تعلیم و تربیه، حق حفظ الصحه و... ولی با آن هم در اکثر کشورهای زنان با نقض حقوق اساسی خود مواجه اند. به طور مثال زنان مانسند مردان نمی توانند آزادانه در مورد ازدواج تصمیم بگیرند. یا از شرایط حق طلاق همسان با مرد زن برخوردار نیست. یا حق

حیات زنان و آزادی و امنیت شخصی آنان و از جمله حق دسترسی به صحت و بهداشت زنان همیشه مورد تعدی و خشونت از سوی

نهادهای مختلف قرار می گیرد. یا به بهانه اینکه چیزی به ندارند زنان را مورد خشونت قرار میدهند، یا آنان را به قتل می رسانند به نام حفظ آبرو و یا مورد اذیت و

ازار جنسی آنان را قرار داده و از تعلیم و

به منظور حفظ جغرافیا جامعه جهانی و استقرار صلح در سطح جهان، جلوگیری از جنگ و خون ریزی و رعایت حقوق خصوصی افراد سازمان ملل متحد کنوانسیونها و معاهدات بین المللی در

عرصه های مختلف حقوقی از قبیل منع شکنجه، محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره را تدوین نموده و کشورهای

عضو این سازمان را ملزم به رعایت آن نموده اند تا به نحوی از انحاء مفاد قوانین فوق الذکر را در قوانین داخلی خویش گنجانیده تا

شهروندان به این وسیله بتوانند از حقوق اساسی خویش مستفید شوند.

با توجه به قانون اساسی کشور ما چنانکه در مقدمه آن تصریح گردیده است که: "بار رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر."

افغانستان در کنار سایر ممالک بار رعایت منشور سازمان ملل متحد و پذیرفتن معاهدات بین المللی، باعث شده است که این کشور مفاد قوانینی را که از سوی سازمان ملل متحد تدوین و مرعی الاجرا می باشد به

نحوی آن را در قوانین ملی خویش بگنجانند.



تدابیر احتیاطی ...

۳- شروط و تعریف حالت استعجال:

الف- استعجال در منازعه ای میباشد که وقت در آن با ارزش میباشد.

ب- استعجال آنست که حقوق و مصالح در معرض خطر قرار داشته باشد.

ج- استعجال در آن حالاتی پیدا میشود که اگر وقت فوت شود ضرری واقع میشود که جبران آن ناممکن میباشد.

ترس از فوت و وقت دو شکل دارد:

۱- ترس از بین رفتن علامه ها و نشانه ها.

۲- ترس از اینکه منفعت تلف شود و حق ضایع گردد. البته قابل یاد آوری است که تحدید و تعیین اندازه استعجال به همان قاضی مربوط است که از وی تدابیر احتیاطی مطالبه می شود.

استعجال دارای خصوصیت های ذیل میباشد:

۱- استعجال از طبیعت شئی متنازع فیه یا از حالات ماحول آن نشأت می کند.

۲- حالت استعجال باید مستمر باشد، هرگاه از یک قاضی اتخاذ تدابیر احتیاطی مطالبه شود و قاضی در باید که ا سبب استعجال مرفوع شده است و شئی متنازع فیه ایجاب تدابیر احتیاطی را نمی کند، درینصورت قاضی نمیتواند راجع به آن قرار صادر کند.

۳- حالت استعجال بوجود آمده میتواند خواه متنازع فیه منقول باشد یا عقار و صرف نظر از اصل و نوعیت آن.

۴- صفت استعجال نظر به زمان، مکان و محیط موضوع متنازع فیه فرق میکند.

۴- چگونگی اجراءات محکمه در رابطه به تامينات.

طرف دعوا اگر تدابیر احتیاطی را مطالبه می کند مکلف است به محکمه، تامينات بپردازد. تعیین مقدار تامينات و نوعیت آن، قبول و یا عدم قبول تامينات به نظر به محکمه مربوط میباشد.

وقتی که محکمه مقدار تامينات را تعیین می کند باید خسارات احتمالی ای که به طرف مقابل وارد میشود در نظر بگیرد چون اگر تدابیر احتیاطی اتخاذ گردد و بعد از بررسی قضیه ثابت شود که ادعای مدعی بی اساس است. پس تامينات باید به اندازه باشد که خسارات طرف مقابل را جبران کرده بتواند در ماده (۴۶) قانون اصول محاکمات تجاری پیرامون موضوع چنین آمده است: "طرفی که مطالبه قرار تدابیر احتیاطی را می کند مکلف است در مقابل خسارات احتمالی طرف مقابل و یا اشخاص ثالث مطابق حصه (ب) که بعداً شرح داده خواهد شد این فصل تامينات بدهد و اگر تقاضاکننده تدابیر احتیاطی دوایر رسمی و یا تصدی دولت باشد درینصورت دادن تامينات جدا گانه لازم نبوده تعهد کتبی آمر مربوطه کافی است تعیین مقدار خسارات به نظر به محکمه ای است که مطالبه تامينات را پذیرفته است.

نتیجه: از آنچه خوانده شد معلوم میشود که مطالبه تدابیر احتیاطی شامل دو کته گوری اشخاص میشود که یکی مربوط اشخاص حقیقی و دیگری مربوط اشخاص حقوقی. هرگاه مطالبه کننده تدابیر احتیاطی شخصی حقیقی باشد باید تامينات را مطابق مواد (۴۹ الی ۷۷) قانون اصول محاکمات تجاری بدهد. و اگر مطالبه کننده شخصی حقوقی باشد مدیر آن به محکمه تعهد کتبی می سپارد که اگر طرف مقابل ازین تدابیر خساره مند شود، قیمت خساره آن را می پردازد.

منابع و ماخذ:

قانون اصول محاکمات تجاری.

هلال-حسام-مشاور قضایی در آید لو- چیترونوت حقوقی-حقوق تجارت.

مهنای-پتونی ترینر در آید لو

چیترونوت حقوقی- قانون تجارت.

حقوق زنان در ...

منظور از شخصیت حقیقی زن این است که زنان بتوانند به منظور اثبات حقوق شان یا اعاده حیثیت یا بدست آوردن خسارت در مواقع نقض حقوق باید بدون هیچ مانعی به طور کامل به نهادهای عدلی و قضایی کشور شان دسترسی داشته و مطالبه حق نمایند.

پس نتیجه می گیریم که قوانین بین المللی از شخصیت زنان حمایت نموده و از دیدگاه این قوانین زنان حق دارند که از شخصیت حقوقی همسان با مردان برخوردار باشند این حق، مطلق است و باید در همه شرایط و زمان ها و مکانها از سوی دولت ها تضمین گردد.

حق برابر زنان با مردان در پیشگاه قانون:

در این قسمت می توان به موارد آتی اشاره نمود:

اول- مطابق بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد یکی از اهداف این سازمان عبارت است از: "حصول همکاری بین المللی در حل مسائیل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشری دوستانه است نیز در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب". اصل برابری مردان و زنان در بند ۱ (ب) ماده ۱۳، بند ج ماده ۵۵ و بند ج ماده ۷۶ نیز تصریح شده است.

تدوین کنندگان منشور متقاعد شده بودند که برابری جنسیت در زمینه بر خور داری از حقوق در جهان پس از جنگ دوم جهانی ضروری و لازم است در سطح جهان منع تبعیض مبتنی جنسیت در مواد حقوق ذیل تصریح شده است ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند اول ماده ۲، بند اول ماده ۴ و ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مطابق ماده ۳ از هر دو میثاق، دولت های عضو را متعهد نموده اند که حق برابر زنان و مردان را جهت استفاده از حقوق مندرج در این دو میثاق تضمین نمایند.

دوم- کنوانسیون امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) به طور خاص بر مساله تبعیض مبتنی بر جنسیت تمرکز کرده است ان کنوانسیون میون که در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد تا ب ۲۰ مارچ ۲۰۰۹، ۱۸۵ کشور به عضویت این کنوانسیون در آمد. به علاوه تا همین تاریخ ۶۹ کشور نیز به پروتکل اختیاری این کنوانسیون پیوستند. پروتکل اختیاری رویه ای را پیشبینی می کند که طی آن اشخاص و گروه ها می توانند در موارد نقض کنوانسیون اقدام به شکایت کنند. همچنین پروتکل اختیاری رویه ای را پیش بینی نموده که به کمیته ذیربط اجازه داده می شود که راجع به موارد جدی یا نظام مند نقض حقوق مندرج در کنوانسیون به تحقیق بپردازد.

پیش از این کنوانسیون مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۷ اعلامیه امحای تبعیض علیه زنان را صادر کرده بود. کنوانسیون امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان یکی از ابزار های مهم حقوقی در چار چوب سازمان ملل متحد برای پیشبرد حفاظت از حقوق برابر زنان با مردان بشمار می رود کمیته امحای تبعیض علیه زنان بر اجرای مقررات این کنوانسیون نظارت دارد. ماده یک این کنوانسیون در زمینه بیان می دارد: "

واژه "تبعیض علیه زنان" در این کنوانسیون به معنی قابل شدن هر گونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که به رسمیت شناختن آزادیهای اساسی زنان حق بهره بر وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و یا سایر موارد بدون توجه به وضعیت تاهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد آورد."

با توجه به ماده دوم این کنوانسیون می توان گفت که دولتهای عضو ملزم اند که سیاست امحای تبعیض علیه زنان را با تمامی ابزار های مناسب دنبال نمایند وضاحت ماده فوق را ذیلا مطالعه می کنیم:

الف: گنجائیدن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی و سایر قوانین مربوط هر کشور چنانچه تاکنون منظور نشده باشد و حصول اطمینان از تحقق چنین اصلی بوسیله وضع قانون یا سایر طرق مقتضی دیگر.

ب- اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از آن جمله اعمال تحریم در صورت اقتضا به منظور جلوگیری از بکار بردن تبعیضات علیه زنان.

ج- حمایت قانونی از حقوق زنان و اساس شرایط مساوی با مردان و حصول اطمینان از حمایت موثر از زنان علیه تبعیضات از طریق مراجع ملی ذیصلاح و سایر موسسات قضایی دولتی.

د- خود داری از انجام هر گونه عملی علیه زنان و یا به کار بردن تبعیضات در مورد آنها و حصول اطمینان از اینکه مقامات دولتی و موسسات مطابق با تعهدات خود به وظایف شان عمل خواهند کرد.

ه- اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور رفع تبعیضات علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا شرکت.

اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور جرح و تعدیل یا فسخ قوانین متعارف و مقررات موجود که موجب به کار بردن تبعیض علیه زنان می گردد.

ز- فسخ کلیه مقررات کیفری یا جزایی که تبعیضات علیه زنان را در بر دارد.

در این ماده تاکید گردیده است که اصل تساوی زنان و مردان در قانون اساسی ذکر شده دولتها اطمینان پیدا نمایند که زنان از این حق خویش محروم نشده و راه های تحقق این حق را نیز بوسیله شیوه های ممکنه و مقتضی دولت فراهم می سازد. ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان این اصل را رعایت نموده و چنین صراحت دارد: "هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند. " همچنین وضع قوانین به منظور حمایت از زنان و یا فسخ کلیه مقررات که تبعیض علیه زنان را در بر داشته باشد این موارد همه بیانگر حمایت قانونی از زنان می باشد.

هکذا ماده سوم این کنوانسیون در زمینه چنین بیان می دارد: "

دول عضو در تمام زمینه ها بالاخص زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات لازم از جمله وضع قوانین را به منظور رشد و پیشرفت کامل زنان به عمل می آورند تا اجرای حقوق بشر و بهره مندی آنها از آزادیهای اساسی بر مبنای مساوات با مردان تضمین گردد. " ادامه در شماره بعد

خدمات عمومی

گزارش سفراز...

شبهه چهارم - روش بهره بر داری مختلط (اقتصاد مختلط)

این روش در مدیریت خدمات عمومی معمولاً شکل شرکت سهامی را پیدا می کند. چون دولت یا یکی از اشخاص عمومی با سایر شرکا در سرمایه با هم شریک می شوند. این روش نسبتاً یک روش جدید است که به منظور پرهیز از معایب روشهای قبلی اتخاذ شده و از شبهه شرکت تجاری سهامی و در نتیجه از وسایل حقوق خصوصی پیروی می کند تا از کندی و پیچیدگی در امور پرهیز شود. همچنین در این روش دولت در اداره خدمات نیز اشتراک دارد زیرا در سرمایه شریک است و از این جهت از معایب امتیاز نیز به دور است چون در روش امتیاز، صاحب امتیاز تنها به کسب سود می اندیشید اما در این روش دولت تنها به نظارت و کنترل از بیرون اکتفا نمی کند بلکه در شورای اداره نیز عضویت دارد و از این رو در این روش منافع عمومی در یک حد قابل توجه تامین می گردد.

شبهه پنجم - مدیریت خدمات عمومی توسط اشخاص خصوصی با قرارداد امتیاز:

قرارداد امتیاز در خدمات عمومی به این معنی است که اداره، با فرد یا شرکتی قرارداد می کند که یک خدمت عمومی را برای مدت معینی با سرمایه و کارگران خود و تحت مسوولت خود، فعال سازد و مورد بهره بر داری قرار دهد و در مقابل، از استفاده کنندگان آن امر عمومی وجوهی را اخذ نماید.

اساتید حقوق اداری در تعریف و موضوع قرارداد امتیاز چنین می گوید: "امتیاز قراردادی است که به موجب آن دولت و یا مؤسسه صلاحیت دار اداری به تصویب قانونگذار، اداره یک امر عمومی و یا بهره بر داری از یک ثروت ملی را به شخص یا اشخاص معینی واگذار می کند که در مدت معینی آن را به هزینه خود به کار اندازند و در ازای کار و سرمایه خود از استفاده کنندگان آن امر عالم المنفعه، وجوهی اخذ کنند یا در مقابل منفعی که از ثروت ملی عاید آنها می شود سهمی هم به دولت بپردازند. در این جا دولت را در اصطلاح "امتیاز دهنده" می نامند. موضوع امتیاز ممکن است اداره امور عام المنفعه مانند اداره آب، برق، پست، تلفن، تلگراف، راه آهن و ... یا بهره بر داری از منابع ثروت ملی، مانند امتیاز بهره بر داری از جنگل های عمومی، معادن، صید ماهی، وصول عوارض و مالیاتها و ... باشد. واگذاری امتیاز در اموری ممکن است که جنبه انتفاعی داشته باشد، افراد حاضر باشند در آن امور سرمایه گذاری کنند. خدماتی که جنبه انتفاعی ندارند، قابل واگذاری به صورت امتیاز نیستند. از این تعریف استنباط می گردد که قرارداد امتیاز دارای خصوصیات آتی می باشد:

۱- قرارداد امتیاز در مورد خدمات عمومی به این معنی است که اداره، خودش به فعال ساختن خدمت عمومی نمی پردازد بلکه آن را به فرد یا شرکتی واگذار می کند که با سرمایه و نیروی کار خود، متصدی فعال ساختن آن می شود.

۲- قرارداد امتیاز خدمات خود را به طور رایگان ارایه نمی کند، چنانکه اغلب خدمات اداری چنین است. بلکه صاحب امتیاز در قبال خدمات یا کالاهایی که در اختیار مردم قرار می دهد، وجوه یا قیمتی را دریافت می کند.

۳- قرارداد امتیاز معمولاً در مورد خدمات عمومی صورت می گیرد که ماهیت اقتصادی دارد زیرا قابل تصور نیست که فرد یا شرکتی، اداره خدمات اداری مانند پولیس را بر عهده بگیرد چون چنین خدماتی به اعتبار و شخصیت دولت ارتباط دارد.

۴- این امتیاز به فرد یا شرکت بر اساس یک قرارداد با اداره برای مدت معینی صورت می گیرد.

منابع و ماخذ:

قانون اساسی

مبانی حقوق عمومی، دکتر ناصر کاتوزیان

حقوق اداری افغانستان، عبدالعلی محمدی

اقسام خدمات عمومی:

خدمات عمومی در حقوق بر اساس حوزه فعالیت، موضوع فعالیت و شخصیت حقوقی و غیره به اقسام مختلفی تقسیم می گردد که هر کدام را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

اول- خدمات عمومی ملی و خدمات عمومی محلی:

حوزه فعالیت خدمات عمومی ملی، همه قلمرو کشور را شامل شده و همه شهروندان یا بیشترین تعداد ممکن، از آن استفاده می کنند، مانند خدمات دفاعی، موزیمها، هواپیمایی، دانشگاه ها و امثالهم. اما خدمات عمومی محلی اختصاص به منطقه خاص دارد و ساکنان همان منطقه مثل ولایت یا شهر و ناحیه یا قریه، از آن استفاده می کنند. قابل یاد آور نیست که تقسیم بندی مانع از وجود ارتباط بین آن دو شده نمی تواند بلکه گاهی کارمندان متخصص و با تجربه از خدمات عمومی ملی به خاطر شایستگی شان و به منظور فعال ساختن خدمات عمومی محلی، از مرکز به ولایت و یا منطقه مربوطه انتقال داده می شوند. اما اهمیت این تقسیم بندی از این جهت است که در صورت بروز خطا و تخلف، مسوولیت هر کدام مربوط به خود او است، به این معنی که اگر تخلفات و خطی ها ناشی از خدمات عمومی ملی باشد، مسوول آن حکومت مرکزی است و بر عکس اگر مولود فعالیت خدمات محلی باشد، اداره محلی مسوول آن می باشد و باید خسارت متضرر را جبران نماید.

دوم - خدمات اداری و اقتصادی و حرفه ای:

اساس این تقسیم بندی را ماهیت فعالیت خدمات عمومی شکل می دهد.

۱- خدمات عمومی اداری

خدمات اداری، وظایف و فعالیتهایی را به عهده دارد که با فعالیت افراد کاملاً متفاوت است و معمولاً دولت به تنهایی عهده دار آن است و به افراد اجازه داده نمی شود که اداره آن ها را بگیرد و از سوی دیگر افراد به اداره آنها علاقه مند هم نیستند زیرا چنین خدمات هیچ سودی قابل توجه برای آنان ندارد. این نوع خدمات عبارتند از: خدمات دفاعی، امنیتی، قضایی، صحت، آموزش و مانند آنها. در این خدمات قواعد حقوق عمومی حاکم است و از امتیازات قدرت عمومی استفاده می شود و برای قواعد حقوق خصوصی جایی وجود ندارد مگر به صورت استثنایی.

۲- خدمات عمومی اقتصادی

اما خدمات اقتصادی، فعالیتی مشابه فعالیت افراد دارد و بین آن و فعالیتهای بخش خصوصی یک نوع رقابت نیز وجود دارد این نوع خدمات ماهیت تجاری یا صنعتی یا مختلط دارد.

و در عصر جدید در اثر افزایش مداخلات دولت در امور اقتصادی یا گرایشهای سوسیالیستی در جهان این نوع خدمات گسترش یافته است مانند خدمات حمل و نقل زمینی و هواسس، شرکتهای بیمه، بانکها، خدمات آب، گاز، برق، سینما، کالا های مصرفی، صنایع مختلف مثل صنایع ماشین سازی، هواپیماسازی و تولیدات الکترونیکی و غیره.

۳- خدمات عمومی حرفه ای:

این خدمات به امور حرفه ای و تنظیم و نظارت بر آنها می پردازد به گونه ای که برای افراد مربوط به این حرفه ها خدمات لازم و مطلوب را برای تامین نیازهای عمومی آنان ارایه کند مانند اتحادیه های وکلای مدافع، داکتران، مهندسان و غیره.

این نوع خدمات که هر روز به اهمیت و تعداد آنها افزوده می شود و قانون گذار هم به آنها اختیارات وسیعی از صلاحیت های حقوق عمومی را بخشیده است.

سوم- خدمات عمومی دارای شخصیت حقوقی و خدمات عمومی فاقد شخصیت حقوقی:

برخی از خدمات عمومی دارای شخصیت حقوقی هستند و از این رو هر چند تحت نظارت یا قیمومت اداره هستند اما دارای استقلال ذاتی می باشد مانند خدمات عمومی ملی پولیس یا ارتش یا خط آهن و مانند آن.

اما برخی از خدمات عمومی شخصیت حقوقی ندارند و وابسته به یکی از ادارات دیگر اداری می باشند. که اکثر خدمات عمومی از همین قبیل است مانند خدمات عمومی تابع وزارت ها یا ولایات مثل شفاخانه ها یا حمل و نقل زمینی و موسسات تعاونی مواد غذایی و مصرفی و ... اهمیت این تقسیم صرفاً از این جهت است که مسوولیت حقوقی آنها مشخص می گردد و جنبه علمی یا حقوقی دیگر ندارد. اگر خدمات عمومی شخصیت حقوقی استقلال داشته باشند، به طور کامل مسوول همه اعمال و تصرفات خود می باشد. اما اگر استقلال نداشته باشد، اداره مربوطه ای که آن را ایجاد کرده مثل ولایت و شهر و قریه یا وزارت، مسوولیت اعمال آنرا به عهده دارد.

چهارم- خدمات اجباری و خدمات اختیاری:

خدمات اجباری آن خدماتی است که اداره - اداره مرکزی یا غیر مرکزی، مکلف به ایجاد آن باشد اما خدمات اختیاری آن است که اختیار ایجاد آن مربوط به اراده اداره است. بسیاری اوقات قانون، اداره ای مثل یک وزارت را مکلف می گرداند که یک خدمت عمومی مثل کانالیزاسیون یا آب رسانی را ایجاد کند در این صورت ناگزیر باید ایجاد شود و اگر وزیر مربوطه کوتاهی کند افرات می توانند حتی به محکمه شکایت کنند تا وزارت مربوطه را وادار به ایجاد آن نماید. معمولاً قوانین اداره محلی، اشخاص اداره محلی را مکلف می گرداند که خدمات عمومی محلی مانند شفاخانه ها، موسسات اجتماعی مثل موسسه نگهداری ایتام و کهن سالان و غیره را تاسس نماید.

پنجم - خدمات عمومی به معنای شکلی و خدمات عمومی به معنای ماهوی:

گاهی خدمات عمومی به اداره ای اطلاق می شود که فعالیتی را انجام می دهد، مانند دانشگاه. گاهی هم به خود فعالیت اطلاق می شود مانند آموزش عالی. هر دو حالت مربوط به خدمات عمومی است با این تفاوت که در حالت اول خدمات عمومی به معنای شکلی است اما در حالت دوم معنای ماهوی یا مادی خدمات مورد نظر است.

از آثار این تقسیم بندی این است که اگر فعالیتی مربوط به خدمات عمومی به یک موسسه خصوصی یا افراد واگذار گردد، سپس اختلاف و دعوی مربوط به آن فعالیت مطرح گردد، این فعالیت جزء خدمات عمومی محسوب می شود که در این صورت تابع نظام حقوقی خدمات عمومی خواهد بود اما آن موسسه خصوصی یا فردی که متصدی اداره آن می باشد خدمت عمومی محسوب نمی گردد و احکام حقوق عمومی بر آن تطبیق نمی شود به عنوان مثال هر گاه بین یک مؤسسه آموزشی که یکی از افراد، آن را اداره می کند و یک از دانشجویان آن در مورد مسایل آموزشی و نظام آموزشی، اختلافی پیش آید مثل اینکه اختلافی در باره بر نامه های مقرر برای دانشجوین باشد، در این صورت دعوا مربوط به خدمات عمومی به معنای ماهوی یا مادی آن می باشد که در نتیجه قوانین حقوق عمومی بر آن تطبیق می گردد هر چند خود مؤسسه آموزشی از اشخاص حقوق عمومی محسوب نمی گردد.

۲- تقویت حکومت داری و حسابدهی:

در این بخش نیز با توجه به اداره سیاسی قوی که برای حکومت داری خوب از سوی رهبری دولت وجود دارد در عرصه مبارزه با فساد اداری از دست آورد ها صحبت شد.

قضیه کابل بانک که از جمله ۸۲۵ میلیون دالر % 55 پول نقد آن تحویل گرفته شده، در قضیه پشتی بانک ۱۳ نفر محکوم که اضافه تر یک میلیارد افغانی است و قضیه وزارت شهر سازی که در آینده نزدیک محکمه اول آن صورت میگیرد، به همین ترتیب در دو حادثه جداگانه مدیر و معاون تصفیه کابل بانک بالفعل با اخذ دوازده دالر رشوت گرفتار شدند و مشاور یکی از وزارت خانه ها با هشتصد هزار افغانی رشوت گرفتار شد. و اما مشکلات و پیشنهاداتی نیز در مورد مطرح گردید که ذیلاً به آن اشاره میگرد:

• تمامی ادارات مبارزه با فساد اداری از طریق ایجاد معاونیت مبارزه علیه فساد اداری در لوی خا نوالی هماهنگ و رهبری گردد.

• خا نوالی اختصاصی مبارزه با فساد اداری در ۳۴ ولایت ایجاد و فعال گردد.

• معاشات کارمندان دولت با توجه با عدم تعادل آن با معاشات کارمندان بخش خصوصی، اضافه گردد.

• ظرفیت مسلکی و اداری کارمندان ادارات دولت بلند برده شود.

۳- ارتقای ظرفیت نهادی:

این بخش را مؤسسه JSSP که از طریق INL تمویل میگرد، پیش برده و بیشتر تمرکز روی برنامه های آموزشی است و پیشنهادات مطرح شده قرار ذیل است:

• مطابق به نیاز سنجی آموزشی که در ادارات صورت گرفته، برنامه های ارتقای ظرفیت طراحی و عملی گردد.

• برنامه های آموزشی در مقطع لسانس و ماستری در مرکز و ولایات برای کارمندان ادارات تحت پوشش، در نظر گرفته شود.

• از سیستم مدیریت قضایی جزایی و مدنی تا تحویل گیری کامل آن از جانب حکومت حمایت جدی صورت گیرد.

۴- برنامه های بدیل حبس/حجز برای محبوسین و محجوزین:

در این مورد نیز صحبت های مفصل صورت گرفته و پیشنهادات ذیل ارائه شد:

• با توجه به اینکه قانون اجرائت جزائی نافذ می باشد و در این قانون بدیل های حبس نیز پیش بینی گردیده بناءً لازم است تاروی مقرر بدیل حبس کار صورت گیرد و بعضی از مواد قانون که ایجاب تعدیل را مینماید روی آن کار صورت گیرد. در ارتباط به بدیل

حجز در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال هفت مورد پیشبینی گردیده ولی مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مشخص نگر دیده که باید مشخص گردد.

• کمیته ای که در مورد تعدیل بعضی از مواد قانون اجرائت جزایی و مقرر بدیل حبس کار میکند باید در جریان تسوید و تعدیل از ادارات مختلف و برخی کارشناسان امور اجتماعی دعوت بعمل آورد تا شرایط تطبیقی آن نیز در نظر گرفته شود.

۵- انتقال برنامه حمایت از سیستم محابیس (CSSP)

در این موضوع نیز بحث های همه جانبه انجام و پیشنهادات ذیل به اداره INL ارائه شد:

• در مورد اعمار محابیس و مراکز اصلاح و تربیت اطفال از سوی INL کمک صورت گیرد.

• برای کلینیک صحتی در محبس پلچرخ INL کمک مالی و تخنیک نماید.

• اداره INL به کمک هایش کمافی السابق ادامه دهد.

• برای مراکز اصلاح روان شناس، مددکار اجتماعی و معاون داکتر به کمک اداره INL استخدام شود.

۶- انتقال برنامه (JTTP) (۲ مارچ)

در این رابطه هم بحث هائی صورت گرفت و پیشنهاداتی چون تجهیز دو صنف درسی آموزشی در دفتر جدید وزارت عدلیه، ادامه برنامه های قبلی و کوشش در جهت تدویر برنامه های ماستری برای ادارات همکار.

در خاتمه جمع بندی از ورکشاپ یک و نیم روزه توسط معین اداری وزارت عدلیه ارائه و از مسئول اداره INL در افغانستان و پاکستان آقای رابرتسن خواسته شد که به پیشنهادات ادارات افغانستان پاسخ مثبت دهند.

آقای رابرتسن طی و عده همکاری گفت که: نسبت محدودیت های مالی متأسفانه مانیتوانیم به تمام پیشنهادات شما پاسخ مثبت داده و کمک نماییم، بهتر است پیشنهاداتتان را اولویت بندی کنید و ما روی اولویت های عمده شما، کار می کنیم. در قسمت عدم تکمیل بعضی پروژه های ساختمانی که کار ساختمان آن نیمه کاره باقی مانده است، آقای جف رابرتسن گفت که درین مورد من از شما خواهش می کنیم که وزیرتان را در جریان قرار دهید تا ایشان جلالتمآب رئیس صاحب جمهور را در جریان قرار دهند تا رئیس جمهور با سفیر ما صحبت نمایند.

همچنان ایشان گفت که اگر مبارزه با فساد اداری از طریق لوی خا نوالی صورت گیرد و اداره مبارزه با ارتش و فساد اداری با لوی خا نوالی مدغم گردد بدون شک از طرف امریکا حمایت میگرد.

در اخیر ایشان یکبار دیگر از همکاریهای آن اداره به خصوص، در مورد بدیل حجز، انکشاف برنامه های آموزشی، کمک در مورد اصلاح قوانین جزایی و تحقیق در کشور های اسلامی و عده سپردند.

پس از ختم ورکشاپ بتاريخ ۲ مارچ از شهر کولمبو به طرف کابل حرکت و به تاریخ ۳ مارچ ساعت (۱۲:۳۰) مع الخیر به کابل برگشت نمودیم.



Monthly Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تحت نظر: هیئت تحریر
سر دبیره: دردانه فضائی
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف، شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح
دیزاینر: سید عابد مخمور sayed_abid1@yahoo.com
گزارشگر: بشیر احمد عزیز
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی
آدرس انترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی agahi.hoquqi@gmail.com
شماره تماس: 93+(0) 700 034 338 - 93+(0) 0752 042 275

سال ده هم شماره ۱۵۴ ۳۱ حمل ۱۳۹۵ 19 2016 April

خدمات عمومی

قسمت دوم تتبع و نگارش: دردانه فضائی

شپوه دوم - مدیریت خدمات عمومی از طریق مؤسسات عمومی:

مؤسسه عمومی عبارت از مؤسسه است که خود ارایه کننده خدمات عمومی می باشد که دولت یا یکی از اشخاص اداره محلی آن را توسط یک سازمان و مؤسسه عمومی که از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار است اداره می کند. این روش از آزادی بیشتر و انعطاف زیادتر برای تحقق اهدافش برخوردار می باشد در این سیستم از انجابه که خدمات عمومی بخاطر شخصیت حقوقی که به آن داده شده از استقلال برخوردار است، نوعی از عدم تمرکز اداری شمرده می شود که در اصطلاحات حقوق از آن به نام "عدم تمرکز فنی" یاد می گردد.

اعطای شخصیت حقوقی به مؤسسه نتایج ذیل را در پی دارد:

۱- خدمات عمومی شخصیت مستقل مالی پیدا می کند و در این صورت می تواند امور خود را با استقلال اداره نماید و از ارتباط با اموال عمومی و بودجه عمومی دولت دور بماند و عواید و دیون او هم مربوط به خود او باشد.

۲- خدمات عمومی با توجه به ثبوت اهلیت داد خواهی برای او، مسول تمام افعال و اعمال خود می باشد.

۳- می تواند هبه ها و وصایا را قبول کند و مستحق وقف شود.

۴- کارمندان خدمات عمومی از کارمندان عمومی شمرده می شوند ولی گاهی می توانند در سیستم حقوقی خود از سیستم کارمندان عمومی مستقل باشند و نظام خاص خود را داشته باشند و این باعث می شود که کارمندان با کفایت و شایستگی خاصی کار کنند.

شپوه سوم - مدیریت که شپوه بهره بر داری غیر مستقیم

این روش در اداره خدمات عمومی، یک راه حل وسط بین روش اداره مستقیم خدمات عمومی توسط دولت (اداره مستقیم یا اداره توسط مؤسسه عمومی) و روش اداره آن توسط صاحب امتیاز است. روش بهره بر داری غیر مستقیم بدین معنی است که مدیریت یکی از خدمات عمومی اقتصادی به فرد یا شرکتی سپرده شود. به طور مثال حکومت، مدیریت خدمات برق یا تلفون یا آب را به شرکتی واگذار کند ولی به حساب دولت نه به حساب آن شرکت. در این نظام اداره مربوطه صاحب و مالک اصلی خدمت عمومی می باشد و او آن را برای بهره بر داری آماده می سازد ولی یک فرد یا شرکت مدیریت آنرا به عهده می گیرد در مقابل وجوهی که از استفاده کنندگان به حساب اداره واریز می شود مالک خدمت اخذ می نماید. البته این روش مانع از این نیست که فرد یا شرکت مذکور نیز قسمتی از اموال لازم در اداره خدمات را پرداخت نماید. همچنین او در قبال فعالیت های خود ممکن است مبلغ معینی را از دولت دریافت کند و یا این که در نسبت معینی از سود حاصله یا عواید خدمات شریک گردد و یا حتی ممکن است او در اصل سرمایه خدمات نیز با دولت یا اداره مربوطه شریک شود. یعنی سهم معینی از سرمایه را به عهده بگیرد. اما در هر صورت مسوول اصلی خدمات، خود دولت است و او به تنهایی همه ضررها و خطرات ناشی از بهره بر داری را متحمل می شود زیرا هر کسی که منفعت از او است، ضرر و نیز متوجه او است و به همین جهت در مورد خدماتی که با این روش اداره می شود کنترل و نظارت از طرف اداره، نسبت به روش امتیاز، شدیدتر و جدی تر است. در حال حاضر از این روش کمتر استفاده می شود. ادامه در ص/۳

کارگاه آموزشی استراتژی ملی آگاهی عامه حقوقی

کارگاه آموزشی استراتژی ملی آگاهی عامه حقوقی به اشتراک محترم هریک اسدالله وحدت رئیس عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه و عبدالرحمن عظیمی آمر آگاهی عامه حقوقی این وزارت بر نامه آموزشی استراتژی ملی آگاهی عامه حقوقی را به مدت سه روز در ولایت بلخ به همکاری ریاست های محترم عدلیه، ریاست ارشاد و حوج اوقاف، ریاست امور زنان، ریاست های دانشکده شرعیات و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بلخ، مدیریت حقوق قوماندانی های امنیه سه ولایت، مسنول انجمن وکلاء مدافع و امر کلینیک های حقوقی ولایت بلخ، سمنگان و بغلان در شهر مزار شریف دایر گردیده بود اشتراک نمودند. محفل باتلاوت قران عظیم شان توسط یکی از اشتراک کنندگان آغاز و بعد از معرفی اشتراک کننده ها و خوش آمدید مشترکین بر نامه، رئیس GIZ محترم "بومن یورگن" در رابطه به همکاری های مؤسسه جی ای زید در قسمت تدویر و اهمیت کارگاه برای اشتراک کنندگان بخصوص به کارمندان عدلی و قضائی نهاد های جامعه مدنی صحبت همه جانبه نمودند. به تعقیب ان محترم اسد الله وحدت رئیس عمومی مساعدت های حقوقی آموزگار

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



بر نامه در مورد اجندای بر نامه آموزشی و اهمیت آن برای شرکت کنندگان ها معلومات مفصل ارایه نمود. همچنان محترم عبدالرحمن عظمی بر نامه را برای مشترکین الی وقت معین شده اجنداء پیش برد. در بخش دیگر بر نامه اشتراک کننده ها را به چهار گروه تقسیم نموده با مشارکت فعال اشتراک کننده ها روی

موضوعات متذکره بحث را ادامه دادند. به تعقیب آن تدریس پیرامون موضوع تحت عنوان دسترسی به سیستم مساعدت های حقوقی توسط اسدالله وحدت آغاز یافت. اشتراک کننده ها به علاقمندی سهم گرفته و بر نامه را مفید ارزیابی نمودند. در ختم بر نامه آموزشی برای شاملین کارگاه آموزشی تصدیق نامه توزیع گردید.

گزارش سفر از کشور سریلانکا

گزارشگر: بشیر احمد عزیز

نموده، و حالا شما می دانید که نسبت بروز حوادث جدید ظهور داعش، مصر و فیت امریکا در سوریه، عراق و سایر نقاط جهان بالای بودجه دولت امریکا تأثیر منفی وارد نموده که بلااثر بودجه مانیز به نصف تقلیل یافته است. اما این بدین معنی نیست که ما حمایت و کمک خود را از افغانستان قطع میکنیم بلکه ما تعهد داریم که کمک های خود را ادامه بدهیم مهم این است که ما بدانیم چه کارهایی انجام شده و به چه چیزها ششما نیاز دارید که در آینده باید انجام شود. باید ضروریات خویش را اولویت بندی نموده و با ما شریک سازید و ما کوشش میکنیم که آن را در حد توان بر آورده نماییم.

متعاقباً محترم سید محمد هاشمی معین مالی و اداری وزارت عدلیه به نمایندگی از هیئت افغانی ضمن تشکر از دعوت اداره (INL) جهت شرکت درین ورکشاپ و بحث و گفتگو پیرامون بر نامه های جاری و آیینده آن اداره، از همکاری آنها در بخش های حاکمیت قانون، ارتقای ظرفیت، حقوق زنان، حکومت داری خوب، مبارزه با ارتشاء و فساد اداری، اعمار و تجهیز محاسبات و مراکز اصلاح و تربیت اطفال تشکر نموده و حمایت های بیش از پیش آن اداره را با دولت افغانستان تقاضا نمود. سپس کار ورکشاپ آغاز گردید و طی دوروز موضوعات آتی مورد بحث قرار گرفت:

۱- تقویت دسترسی زنان به عدالت در افغانستان (اول مارچ):

درین بخش ضمن بازگو نمودن دست آوردها، که توسط نمایندگان وزارت داخله، اداره لوی خارنوالی و مستتره محکمه ارائه گردید و روی چالش ها و مشکلات که وجود دارد تمرکز صورت گرفت که ذیلاً از آن نام برده می شود:

- نبود قضات زن و خاران زنان در ولایات.
- نبود مراکز سلب آزادی (نظارت خانه، توقیف خانه، محاسبات و مراکز صلاح و تربیت اطفال) به شکل استاندارد و معیاری در بعضی ولایات.
- نبود امنیت.
- کمبود تعداد وکلای مدافع و مساعداًین حقوقی در ولایات.
- پیشنهادات که برای رفع مشکلات مطرح گردید قرار ذیل است:
- ۱۰- اداره (INL) امداد به مبروطرا هر حصه تو وظیفه بیشتر مساعداًین حقوقی کمک نماید.
- ۱۱- مستتره محکمه و لوی ارنوالی در ارتباط با محاکم فامیلی و محاکم وارنوالی محو خشونت کار صورت گیرد.
- ۱۲- برای ایجاد خانه های امن با اداره مربوط کمک صورت گیرد.
- ۱۳- به منظور بلند بردن آگاهی های حقوقی مردم، از بر نامه های آگاهی دهی حقوقی ادارات مختلف و مخصوصاً وزارت عدلیه حمایت مالی صورت گیرد.
- ۱۴- تقویت واحد های جنسدر در وزارت ها و ادارات

تطبيق احكام این قانون اساسی و سایر قوانین دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد

قانون اساسی افغانستان ماده پنجم